

لغت فصیحی

و

لغت نورا

نوشته : ایادی امرالله جناب علی اکبر فروتن

(نقل از صفحه ۴۹ آهنگ بدیع)

شماره ۳۲۹ سنه ۱۳۱۱ بدیع)

مؤسسه ملی مطبوعات امری

۱۳۲۲ بیع

در سفر اخیر که شب و روز از حضریاران عزیز الهی استفاده —
 میشد و مخصوصاً با جوانان هوشمند بهائی مؤانست و موافقت
 مستمر حصول مییافت بعضی از احبا میخواستند بدانند که
 حکمت نزول کتاب مستطاب اقدس و بسیاری از آثار مبارکه
 بلسان عربی چیست و حال آنکه جمال قدم جل اسمع الاعظم
 ایرانی و زبان ملیشان فارسی بوده است و این عهد وعده —
 داد که در مراجعت بارض اقدس بمحض آنکه فرصت مناسب
 دست دهد آنچه از آثار الواح الهی راجع بزبان مستفاد
 شود تدوین و بمحفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران
 شید الله ارکانه تقدیم نماید تا در صورت تصویب باستحضار
 یاران حضرت رحمن برسد و اینک بآن وعده وفا میشود :

چون جمال قدم از کشور ایران ظاهر شده اند و ایمن
 مرزوبوم موطن موعود کل ملل وادیان جلوه گاه مظهر حضرت
 یزدان است البته این اقلیم جلیل بر سائر ممالک و اوطان
 برتری یافته و مقام روحانی و معنوی آن بلند و ارجمند گشته
 است و در آینده محققاً شرف و منقبتش واضحتر خواهد شد و هر
 هموطنان حضرت بهاء الله کاملاً مکشوف و مبرهن خواهد —
 گشت که چه سعادت نصیبشان شده و چه موهبتی بآنان
 ارزانی گردیده است • اگر خواهیم آنچه راکه در بیان رفعت

شأن و علوم مقام این اقلیم جلیل در آثار مبارکه وارد شده
 یکان یکان بشماریم مطلب بطول خواهد انجامید و فقط من
 باب نمونه بنقل چند فقره اکتفا میکنیم:

در کتاب مستطاب اقدس راجع بارض طامدینه منوره
 طهران این آیات مبارکه نازل شده :

" یا ارض الطاء لا تحزنی من شیئی قد جعلک الله مطع
 فرح العالمین افرحی بما جعلک الله افق النور بما ولد فیک
 مطع الظهور اطمئن بفضل ربک انه لا تنقطع عنک لحظات
 الالطاف " .

و در لوح مبارکی این بیانات راجع بطهران نازل شده :
 " یا ارض الطاء یاد آر هنگامی راکه مقررش بودی و انوار
 از درودیوارت ظاهر و هویدا " . تا آنکه میفرمایند : " طوبی
 از برای تو و از برای نفوسیکه در تو ساکنند نفحات قمیص الهی
 از تو قطع نشده و نخواهد شد " .

حضرت عبدالبهاء مولى الوری در الواح عدیده راجع
 بکشور مقدس ایران بیاناتی فرموده اند که چند فقره آن نقل
 میشود قوله الاحلی :

" مستقبل ایران در نهایت شکوه و عظمت و بزرگواری —
 است زیرا موطن جمال مبارک است جمیع اقالیم عالم توجه

ونظرا احترام بایران خواهند نمود و یقین بدانید که چنان
ترقی نماید که انظار جمیع اعظام و دانایان عالم حیران ماند
هذه بشارة کبری بلّغها لمن تشاء وهذا وعد غیر مکذوب و
ستعلمن نبأه بعد حين " .

" حضرت بهاء الله و حضرت باب هرد و ایرانی بودند
و بیست هزار، سی هزار ایرانی در این سبیل جانقشانی
نمودند و من نیز ایرانی هستم حتی با وجود اینکه شخصت
سال است از ایران خارج شده ام هنوز راضی بآن نگشته ام
که عادات جزئیة ایرانی ترک شود بهائیان ایران را میپرستند
نه همین حرف میزنند شما نظر بعمل کنید " .

بهائیان چنان ایران را در انظار جلوه داده اند که امروز
جم غفیری از اقالیم سبعة پرستش ایران مینمایند زیرا شمس
حقیقت از آن افق طلوع نموده و وطن مقدّس حضرت بهاء الله
است ملاحظه کنید که چه موهبتی حضرت یزدان در حق
ایران و ایرانیان فرموده اند " و در آن حدود و ثغور نسبت —
شجره مبارکه است و موطن حضرت مقصود و عاقبت چنان آباد
گردد که جمیع ممالک عالم غبطه برند " .

" ای یاران الهی خطه شیراز منسوب بحضرت بی
نیاز و موطن کاشف اسرار براهل رموز از آن کشور ماه منور طلوع

نمود و از آن اقلیم صبح منیر سطوع یافت اول نداء در آن —
 خطه و دیار اوچ گرفت و نفوس مبارکه نعره رنانا سمعنا
 منادیاً ینادی للایمان ان آمنوا برکم فآمنوا برآوردند یقین
 است که موطن آن نورمبین بهمت دوستان الهی عنقریب
 تزیین یابد و غبطه بهشت برین گردد . "

" ایران چنان ترقی نماید که محسود و مغبوط شـرق
 و غرب گردد . "

در ضمن مناجاتی میفرماید :

" پاک یزدانا خاک ایران را از آغاز مشکبیز فرمودی و —
 دانش خیز و گوهر ریز از خاورش همواره خورشیدت نور افشان
 و در باخترش ماه تابان نمایان . "

اینها نمونه‌ئی از بیانات حضرت عبدالبهاء مولی الوری راجع
 بکشور مقدس ایران بود .

حضرت ولی امرالله در توابع منیعه مکرره درباره رفعت
 مقام و عظمت شأن کشور مقدس ایران بیاناتی فرموده اند ، —
 من جمله چنین میفرماید قوله الاحلی :

" مگذارید گمان کنند که بهائیان تعلق بوطن خویش
 ندارند بلکه برآستی بدانند و یقین نمایند که از همه بیشتر و از
 همه مخلصتر و از همه ثابت تر در احیای ایران و تعزیز ایرانیان

بوسائل حقیقی میکوشند و مطمئنند که ایران عاقبت عزیزتوانا خواهد شد " .

" اهل بها چه در ایران و چه در خارج آن موطن جمال اقدس ابهی را پرستش نمایند و در احیاء و تعزیز و ترقی و ترویج مصالح حقیقیه این سرزمین منافع و راحت بلکه جان و مال خویش را فدا و ایثار کنند " انتهى

حال از همین چند فقره بیانات مبارکه تعلق اهل بها بکشور مقدس ایران کاملاً واضح و عیان است .

و اما درباره مقام و منزلت زبان فارسی حضرت بهاء الله چنین میفرمایند قوله عزکبریائه :

" درباره زبان نوشته بودید تازی و پارسی هر دو نیکو است چه که آنچه از زبان خواسته اند پی بردن بگفتار گوینده است و این از هر دو میاید و امروز چون آفتاب دانش از آسمان ایران — آشکار و هوید است هر چه این زبان راستایش نمائید سزاوار است " .

" محبوب عالم بلسان پارسی تکلم میفرماید دوستان او هم اگر باین لسان تکلم نمایند و بنویسند لدی الوجه مقبول است اگر چه لسان عربی احسن است و لکن گفتار پارسی احلی " .
پس تعلقات معنوی و محبت صمیمی اهل بها بکشور مقدس

ایران وزبان شیرین پارسی از همین چند نمونه که بیان شد واضح و عیان است و احتیاج بهسط کلام نیست .

اما نکته ثی مهمتر از وطن دوستی در تعالیم بهائوسی —
 آئین الهی در این دور بدیع و کور جدید است و در این صورت
 جمال مبارک متعلق بهممه اهل عالمند و مبادی روحانی و —
 اداری این امر منیع مخصوص بیک ملت دون ملت دیگر —
 نیست و محصور بیک کشور معین نخواهد بود و یکی از وسائل —
 مؤثر و مهم برای وصول باین منظور مقدس یعنی تحقق وحدت
 عالم انسان و اتحاد اوطان و رفع تعصبات بیهوده و استخلاص
 بشر از محاربات ویران کننده ، انتخاب و ترویج لسانی عمومی
 است که درین باره تأکیدات اکیده در آثار الهی نازل شده
 است .

حضرت بهاء الله در یکی از الواح باین بیانات مبارکه

ناطق قوله عزبانه :

" قد نزلنا فی الكتاب الا قدس یا اهل المجالس فی
 البلدان ان اختاروا اللغة من اللغات لیتکلم بها من علی الار
 و كذلك من الخطوط ان الله یبین لکم ما ینفعکم و یغنیکم عن
 دونکم انه لهو الفضال العلیم الخبیر . "

این امر مبرم از جهوت قدم برای اهل عالم عموم^{اً}
 و اهل مجالس خصوصاً نازل شده چه که اجرای او امر و احکام
 وحدودات منزله در کتاب برجال بیوت عدلیه الهیه تفویض
 شده و این حکم سبب اعظم است از برای اتحاد و علت کبری^{ست}
 از برای مخالطه و ووداد من فی البلاد
 لطف

ملاحظه میشود اکثری از امم از تشنت لغات اهل عالم از مخا
 و معاشرت و کسب معارف و حکمت یکدیگر محرومند لذا محض
 فضل وجود کل مأمور شده اند باینکه لغتی از لغات را اختیار
 نمایند چه جدیداً اختراع کنند و چه از لغات موجوده ارض و
 کل بآن متکلم شوند در این صورت جمیع ارض مدینه واحده —
 ملاحظه میشود زیرا که کل از لسان یکدیگر مطلع میشوند و مقصو^د
 یکدیگر را ادراک مینمایند این است سبب ارتقاء عالم و ارتفاع
 امم و اگر نفسی از وطن خود هجرت نماید و بهر یک از مدن وارد
 شود مثل آنستکه که در محل خود وارد شده تمسک و ایه یا اهل
 المجالس و المدن • اگر نفسی فی الجمله تفکر کند ادراک —
 مینماید که آنچه از سماء مشیت الهیه نازل شده محض فضل
 بوده و خیر آن بکل راجع است "

یا آنکه میفرمایند :

" هر طایفه بلسان خود تکلم مینماید مثل ترك بت ترکی و اهل

ایران بفارسی و عرب بحرئى و اهل اروپا بالسن مختلفه
 خود و این السن مختلفه ما بین احزاب متداول است و —
 مخصوص است بطوائف مذکور و يك لسان دیگر امر شده که
 اهل عالم عموماً آن تکلم نمایند تا کل از لسان یکدیگر
 مطلع شوند و مراد خود را بیایند اوست باب محبت و وداد و —
 الفت و اتحاد و اوست ترجمان اعظم و مفتاح کنز قدم چه
 مقدار از نفوس مشاهده شده که تمام اوقات را در تعلیم السن
 مختلفه صرف نموده بسیار حریف است که انسان عمر براه
 اعزاشیا عالم است صرف اینگونه امور نماید و مقصودشان
 از این زحمات آنکه لسان مختلفه را بدانند تا مقصود طوائف
 و ما عند هم را ادراک نمایند حال اگر آنچه امر شده عامل —
 شوند کل را کفایت مینماید و از این زحمات لا تحصی فارغ میشو
 ند
 تا آنکه میفرماید :

" و همچنین سوای خطوط مخصوصه طوائف مختلفه —
 يك خط اختیار نمایند و خلق عموماً بتحریر آن مشغول شوند
 تا جمیع خطوط خط واحد و جمیع السن لسان واحد مشاهده
 شود و ایند و سبب اتحاد قلوب و نفوس اهل عالم گردد انه —
 يعلمکم ما هو خیر لکم تمسکوا به انه لهو الواعظ الناصح المبین
 ووالمدبر المشفق العليم الحکیم و بالآخره جمیع لسان و —

خطوط بواحد منتهی گردد و قطعات مختلفه ارض يك قطعه مشاهده شود از الاترى فيها عوجاً ولا أمتاً " انتهى .

در لوحی دیگر جمال اقدس ابهی این موضوع یعنی —
وحدت لسان را باین بیانات تکرار میفرمایند
قوله الاعلی :

" اشراق ششم اتحاد و اتفاق عباد است لا زال باتفاق
آفاق عالم بنور امر نور و سبب اعظم دانستن خط و گفتاری کند دیگر
است از قبل در الواح امر نمودیم اماناً بیت عدل يك لسان از
السن موجوده و پیالسانی بدیع و يك خط از خطوط اختیار —
نمایند و در مدارس عالم اطفال را بآن تعلیم دهند تا عالم
یکوطن و يك قطعه مشاهده شود " .

در کلمات فردوسیة میفرمایند " از قبل فرمودیم تکلم بدو
لسان مقدر شده و باید جهد شود تا بیکی منتهی گردد —
همچنین خطوط عالم تا عمرهای مردم در تحصیل السن —
مختلفه ضایع نشود و باطل نگردد و جمیع ارض مدنیة واحده
و قطعه واحده مشاهده شود " .

در تبیین این اصل مسلم که از قلم جمال قدم جل شأنه
الاعظم نازل شده مهین منصوص حضرت عبدالبهاء بیانات
عدیده فرموده اند که چند فقره آن در این مقام نقل میشود

قوله الاحلی :

" از جمله او امر حضرت بهاء الله این است که باید
 جمیع ملت از اهل معارف و علوم اتفاق کرده یک لسانی
 انتخاب یا ایجاد نمایند و آن لسان عمومی باشد و این امر در
 کتاب اقدس چهل سال پیش نازل شده و مقصود آن این
 است ، مسئله لسان بسیار مشکل شده زیرا لسان بسیار
 است و اختلاف حاصل شده بین جمیع اقوام و طوائف و تا وحدت
 لسان حاصل نگردد ائتلاف مشکل و معاملات مختل است .
 هر انسان محتاج بلسانهای بسیار است تا بتواند با جمیع
 بشر معامله و معاشرت و ملاقات نماید و این مستحیل است
 زیرا آنچه تا حال در آکادمی معلوم و مسلم شده هشتصد -
 لسان معین گشته و از برای انسان تحصیل اینهمه ممکن -
 نیست پس بهترین است یک لسان ایجاد و یا انتخاب شود تا
 آنکه لسان عمومی باشد در این صورت انسان بد و لسان محتاج
 است یکی لسان وطنی یکی لسان عمومی بلسان وطنی -
 خودش با قوم خود گفتگو نماید اما بلسان عمومی با جمیع عالم
 مخابره نماید و محتاج لسان ثالث نمیباشد و جمیع بشر با
 یکدیگر بد و ن مترجم الفت و مصاحبت مینمایند حال اگر چنین
 چیزی بشود فی الحقیقه سبب راحت و آسایش و سرور جمیع

ملل عالم است "

در مقامی دیگر حضرت عبد البهاء در این باره میفرماید :

" در عالم وجود اعظم از امور عمومی است لهذا میتوانیم

بگوئیم لسان عمومی امریست مهم زیرا سو تفاهم را از بین ملل
زائل نماید قلوب عمومی را بهم ارتباط دهد و سبب شود که هر
فردی مطلع بر افکار عمومی شود در عالم انسانی تفهیم و تفهم
که اعظم فضائل عالم بشری است مشروط به وحدت لسان معلّم
و متعلّم است چون لسان عمومی حاصل شود تعلیم و تعلّم
سهل و آسان گردد مقصد این است که در عالم انسانی
وحدت لسان خیلی سبب الفت و اتحاد است و بالعکس
اختلاف لسان مایه جدال و این واضح است لهذا از جمله
تعالیم بهاء الله در پنجاه سال پیش امر به وحدت لسان
میباشد که تا لسان عمومی تأسیس و ترویج نشود ارتباط تام
بین بشر حاصل نگردد زیرا سو تفاهم مانع الفت است
و این جز به وحدت لسان زائل نشود به سبب اختلاف لسان اهل
شرق عموماً از معلومات اهل غرب و اهل غرب از معلومات اهل
شرق بیخبرند اما بواسطه لسان عمومی شرق افاضه از غرب
نماید و غرب اقتباس انوار از شرق تواند " انتهى .
و اما آنچه راجع به لسان عربی و اهمیت و وسعت آن زبان

برای بیان حقائق معنوی و عوالم روحانی از قلم اعلی صادر شده بسیار است منجمله در یکی از الواح مقدّسه میفرمایند
 قوله عزبانه :

" آنچه لدی العرش محبوب است آنست که جمیع بلغت عربی تکلم نمایند چه که اوسط از کل لغات است اگر کسی — بهسط و وسعت این لغت فصیحی مطلع شود البته آنرا اختیار نماید لسان پارسی بسیار ملیح است و لسان الله در این — ظهور بلسان عربی و فارسی هردو تکلم نموده و لکن بسط عربی را نداشته و ندارد بلکه جمیع لغات ارض نسبت باو محدود بود و خواهد بود و این مقام افضلیت است که ذکر شد و لکن مقصود آنکه لغتی از لغات را اهل ارض اختیار نمایند و عموم خلق بآن تکلم کنند هذا ما حکم به الله و هذا ما ینتفع به الناس لو هم یعرفون " انتهى .

بفرموده مبارك مقصود از این تعریف و توصیف مقام افضلیت — است والا جمالقدم اهل عالم را مختار و مخیر فرموده اند که لغتی از لغات را اختیار نمایند و لکن چون بسیاری از آثار مبارکه باین لغت نازل شده تحصیل آن براهل بها واقعاً لازم است تا بمعنی آیات الهی واقف شوند و از آن منبع فیض فیاض برای — فهم آیات مقدسه استفاضه نمایند . تحصیل لسان عربی —

بقدری مهم و حیاتی است که حضرت عبدالبهاء بیکی
از اماء الرحمن غرب بنام مسیس کروپرچین دستور میدهند
قوله الاحلی :

" ای کنیز عزیز خدا یک وقتی تحصیل لسان عربی
مبمودی این بسیار مفید است البته مداومت نما تا آنکه -
مهارت پیدا کنی و بتوانی که بکمال فصاحت و بلاغت بلسان -
عربی مخابره نمائی البته صد البته در تحصیل لسان عربی
نهایت همت مجری دار تا مهارت تامه حاصل نمائی و بکمال
سهولت بخوانی و بنویسی " .

حضرت ولی امرالله در تواقیع عدیده تأکیدات شدیدیه
راجع بتعلیم و تعلم لسان عربی صادر فرموده اند که چند
فقره آن در این مقام نقل میشود قوله الاحلی :

" تأکید نمائید اطفال بهائی را از زخرسن در مدرسه
بلغت عربی که بفرموده جمال قدم لغت فصیحی است و آیات
مبارک و احکام و ادعیه و صلوات و سورعلمیه اکثر بان لسان
نازل گشته آشنا نمایند و تعلیم دهند اجرش عند الله عظیم
است و نتایج آن در جامعه بغایت مفید " . همچنین
میفرمایند :

" قبلاً راجع با اهمیت لغت عربی و تعلیم آن با اطفال و تأسی

ومتابعت لحن الواح مبارك در منشآت امریه و تقریر و تحریر
و نشریات یاران امر حضرت رحمن در آن سامان دستور صریح —
صادر و همچنین بواسطه زائرین تأکید گشت • مسامحه
و اهمال قطعاً جائزه یاران را محفل ملی روحانی باید
تذکره و تشویق و دلالت نماید " •

همچنین میفرمایند :

" تعمیم لغت عربی در مدارس بهائیان و تشویق جوانان
بسیار لازم تا بقواعد لغت فصیح آشنا گردند و بی معانی و
رموز و اشارات الواح عربیه و احکام منصوصه الهیه برند "
• انتهى

جوانان عزیزهائی و نونهالان بوستان الهی باید بکمال —
دقت این دستور مبارك را اجرا نمایند و در تحصیل زبان عربی
بکوشند تا درهای معارف امری برویشان باز شود و فهم کلمات
آسمانی برایشان میسر گردد ضمناً برای مزید تهی و در این موضع
توجه بچند نکته مفید خواهد بود :

نکته اول — آنکه زبان عربی که لسان مقدس عالم اسلام —
است در نزد مسلمین بسیار مهم تلقی شده و میشود و مسلمانان
روی زمین در هر نژاد و ملیت آن زبان را برای فهم آیات مقدسه
قرآن فرا گرفته و میگیرند و مؤمنین اولیه باین امر مبارك که اکثراً

از علماء طراز اول بوده بر لسان عربی تسلط کامل داشته اند و آیات الهیه و آثار مبارکه غالباً بآن زبان نازل شده و لهذا گنجی بی پایان از مخزن اسرار الهیه بزبان عربی بنوع انسان ارزانی یافته که برای بدست آوردن آن باید در تحصیل لسان عربی که بمنوله * کلید در آن گنج بی پایان است اهتمام تام نمود .

نکته دوم — آنکه در تحصیل کلمات معنویه و فرا گرفتن معارف الهیه مناقشه بر سر زبان که آیا عربی بهتر است یا فارسی واقعاً ضرورت ندارد زیرا مقصود اصلی کشف حقائق روحانی و کسب دقائق ملکوتیست و زبان فقط وسیله وصول بمقصود و حصول منظور است لا غیر .

نکته سوم — آنکه انبیای الهی برای تربیت جسمانی و — انسانی و روحانی نفوس بشری ظاهر میشود و برای هدایت ناس بشریۀ باقیه مافوق تصورات محدودۀ بشریه قرار میگیرند و زبان را فقط وسیله و آلتی برای تفهیم و تفهم حقائق روحانیه میشناسند و بهیچوجه احساسات ملی و نژادی را در آن مدخلیت نمیدهند چنانکه در قرآن کریم بیش از سیصد لغت غیر عربی مانند کافور — زنجبیل — مشکوة — استبرق — سندس — دینار — قسطاس — فردوس — طاغوت — قنطار

عدن — ملکوت — مسک — اباریق وغیره وغیره که از زبان های عبری و آرامی و امثال آن اقتباس گشته وارد شده و مجموعه بیانات شفاهی حضرت مسیح که بعد ها به انجیل موسوم گردیده ابتدا بزبان یونانی که لسان علمی آنروز دنیای متعده بود نگارش یافته است •

نکته چهارم — آنکه هیچیک از زبانهای رایج دنیا خالص نمانده و هر قدر ارتباط ملل و محل بایکدیگر بیشتر شده اختلاط و امتزاج السنه نیز بهمان مقیاس وسیعتر گردیده است •
و این خود حسن و کمال هر زبان است که برای بیان مطالب لغات کافی در اختیار داشته باشد و شعرا و حکما و علما همیشه از این امتزاج و اقتباس استفاده نموده اند و چنانکه مثلاً در شاهنامه فردوسی که شاهکار زبان فارسی است بیست و سه از پانصد لغت عربی در موارد ضروری بکار برفته و ناهفته شهیر از این اقتباس و استقراض سر بازنزده است • زبان کنونی فارسی مانیز که مرکب از یکصد و شصت هزار کلمه است پنجاه و هشت هزار و هشتصد و هفتاد و نه آن فارسی و یکصد و یک هزار و یکصد و بیست و یک لغت آن خارجی است و این امتزاج و اختلاط — کمال زبان است نه نقص آن زیرا همانطور که جمال مبارک — میفرماید مقصود از زبان پی بردن بگفتار گوینده است و هر

قدرتوان در یکزبانی موجبات تفهیم و تفهّم را کاملتر فراهم نمود البته بهتر است •

نکته پنجم — آنکه لسان عربی باتفاق زبان شناسان ^{نظور} هما که از قلم اعلیٰ نیز تصریح گشته نظر بوسعت دائره لغات برای بیان روحانیات و مجردات مناسبتر و کاملتر است و بهمین دلیل بسیاری از متفکران و دانشمندان فارسی زبان نیز — تألیفات خویش را بزبان عربی تدوین میکرده اند و در مغرب — زمین زبان لاتین که شعبه ئی از زبانهای هند و اروپائیست این مقام را داشته و الحال نیز ریشهٔ اغلب از اسنہ اروپائی لاتین و یونانی است و بهمین جهت تشابه تام بین این — زبانها بمیان آمده است اکنون زبان عربی علاوه بر ساکنین شبه جزیرهٔ عربستان لسان اصلی بیش ازینجاه میلیون نفر در ممالک مختلف جهان است و بتصدیق محققین یکی از — مهمترین زبانهای دنیاست و لهذا تحصیل زبان عربی — تنها برای فهم معارف بهائی لازم و ضرور است بلکه احاطه بر آثار ادبی زبان فارسی نیز موقوف به آشنائی بالغات و — اصطلاحات و صرف و نحو زبان عربیست پس بنا آنچه گفته شد اهتمام نورسیدگان و جوانان عزیز بهائی بتحصیل زبان عربی بسیار مفید و لازم است و همانطور که فی المثل زبان اصیل

فارسی و السنه عربی مانند انگلیسی فرانسه آلمانی و غیره را فرامیگیرند ، زبان عربی را نیز در همان ردیف بل دررتبه اولی قرار دهند .

برای تزیین و تکمیل این گفتار چند فقره از بیانات حضرت بهاء الله بزبان عربی و فارسی و پارسی ویژه در این مقام درج میشود لیکن ختامه مسک از لوح مبارک جمال اقدس ابهی خطاب به سلطان ایران :

" یا سلطان انی کنت كأحد من العباد وراقداً علی المهاد مرت علی نسائم السبحان وعلّمنی علم ماکان لیس هذا من عندی بل من لدن عزیزعلیم وامرنی بالنداء بین الارض والسما و بذلك ورد علی ما تذرت به عیون العارفين ما قرئت ما عند الناس من العلوم وما دخلت المدارس فاسئل — المدينة التي کنت فیها لتوقن بأنی لست من الکاذبین — هذا ورقه حرکتها اریاح مشیة ربک العزیز الحمید هل لها — استقرار عند هبوب اریاح عاصفات لا و مالک الاسماء والصفات بل تحرکها کیف تبرید لیس للعدم وجود تلقاء القدم قد جاء — امره المبرم وانطقنی بذکره بین العالمین • انی لم اکن الا کالمیت تلقاء امره قلبتني ید ارادة ربک الرحمن الرحیم هل یقدر احد ان یتکلم من تلقاء نفسه بما یعترض به علیه العباد

من كل وضیع و شریف لا فوالذی علم القلم اسرار القلم
 الآمن كان مؤبداً من لدن مقتدر قدير " •

از لوح مبارك خطاب به مانكجی صاحب :

" نامه شما در زندان باین زندانی روزگار رسید خوشی
 آورد و بردوستی افزود و یاد روزگار پیشین راتازه نمود سپاس—
 دارای جهانرا که دیدار در خاک تازی روزی نمود دیدیم
 و گفتیم و شنیدیم امید چنان است که آن دیدار را فراموشی از—
 پی در نیاید و گردش روزگار یاد او را از دل نبرد و از آنچه کشته
 شد گیاه دوستی بروید و در انجمن روزگار سبز و خرم و پاینده —
 بماند • اینکه از نامه های آسمانی پرسش رفته بود رگ جهان
 در دست پزشك داناست در درمانی بیند و بدانائی درمان—
 میکند هر روز رازازی است و هر سر را آوازی درد امروز را درمانی
 و فردا را درمان دیگر امروز را نگران باشید و سخن از امروز را نیند
 دیده میشود گیتی را دردهای بیکران فرا گرفته و او را بر بستر
 ناکامی انداخته مردمانیکه از باده خود بینی سرمست شده اند
 پزشك دانا را از او باز داشته اند این است که خود و همه مردم
 را گرفتار نموده اند نه درد میدانند نه درمان میشناسند راست
 را کژ انگاشته اند و دوست را دشمن شمرده اند بشنوید —
 آواز این زندانی را بایستید و بگوئید شاید آنان که در خواهند

بیدار شوند بگوای مردگان دست بخشش یزدانی آب زندگانی
 میدهد بشتابید و بنوشید هرکه امروز زنده شد هرگز نمیرد
 و هرکه امروز مرد هرگز زندگی نیابد .

ای دوست چون گفتار نخستین در روز پسین همیان آمد
 گروهی از مردمان آسمانی آواز آشنا شنیدند و بان گریه کردند
 و گروهی چون کردار برخی را با گفتاریکی ندیدند از پرتو —
 آفتاب داناتی دور ماندند " .
 از کلمات مبارکه مکنونه فارسی :

" زینهار ای پسر خاک با اشرار الفت مگیر و موأنتست مجو
 که مجالست اشرار نورجان را بنار حسان تهدیل نماید ای
 پسر کنیز من اگر فیض روح القدمین طلبی با احرار مصاحب
 شوزیرا که ابرار جام باقی از کف ساقی خلد نوشیده اند و قلب
 مردگان را چون صبح صادق زنده و منیر و روشن نمایند .
 ای غافلان گمان مهبرید که اسرار قلوب مستور است —
 بلکه بییقین بدانید که بخت جلی مسطور گشته و در پیشگاه —
 حضور مشهود .

ای دوستان براستی میگویم که جمیع آنچه در قلوب مستور
 نموده اید نزد ما ، چون روز واضح و ظاهر و هوید است
 و لکن ستر آن را سبب وجود و فضل ما است نه استحقاق شما .

ای پسرانسان شهنمی از زرف دریای رحمت خود
 بر عالیان مهذول داشتم واحدی را مقبل نیافتم زیرا که
 کل از خمر باقی لطیف توحید بها کثیف تبید اقبال نموده اند
 و از کأس جمال باقی به جام فانی قانع شده اند قهئس ما هم
 یقنعون •

ای پسر خاك از خمر بی مثال محبوب لایزال چشم میوش و
 بخمر کرده فانیه چشم مگشا از دست ساقی احدیه کأوس
 باقیه برگیر تا همه هوش شوی و از سروش غیب معنوی شنوی "
 انتهی •

امید و طید چنان است که جوانان عزیز بهائی در کشور
 مقدس ایران به محتویات این مقاله که مزین به بیانات مقدسه
 و دستوره‌های مؤکد مبارک مولای توانا حضرت ولی امر الله —
 ارواحنا لترتبه الفدا است توجه تام بفرمایند و این نکته
 مهمه راهواره در مد نظر قرار دهند که آئین نازنین بهائی
 برای وحدت اهل عالم و اتحاد ملل و امم ظاهر شده و —
 بفرموده جمال قدم جل اسمع الاعظم که در کتاب عهدی —
 نازل شده قوله الاعلی •

" مقصود این مظلوم از حمل شدا و بلایا و انزال آیات
 و اظهار بیانات اخمد نارضغینه و بغضا بوده که شاید آفاق —

افنده اهل عالم بنور اتفاق منور گردد و با سایش حقیقی
فائز " .

انتهی

منظور اصلی مظاهر مقدسه تربیت نفوس بشری و رفع
تعصبات بیهوده است و لهذا برای وصول بچنین مقام بلند
اهل بهار و راکبین سفینهٔ حرا باید از دایره حدودات بشری
قدم فراتر نهند و وفق فکر و وسعت کامله بخشند و زبان رافقط
وسیلهئی برای هدایت اهل عالم شناسند و این بیان
مبارک جمال اقدس ابهی راهمواره در مد نظر قرار دهند
که میفرمایند قوله الاعلی :

" اگر از لغات مختلفهٔ عالم عرف ثنای تو متضوع شود همه
محبوب جان و مقصود روان چه تازی و چه فارسی ، اگر از آن
محروم ماند قابل ذکر نه چه الفاظ چه معانی " .

علی اکبر فروتن

ارض اقدس ، حیفاً

شهرالشرف ۱۳۱